

گفتگو با دکتر نایبی، عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف

از سیاست‌های زیگزاگی مخابرات تا سکوت ممتد پارلمان بخش خصوصی

به عنوان یکی از اساتید دانشگاهی فعال در حوزه مخابرات و اجرای پروژه‌های مخابراتی، وضعیت

کنونی صنعت مخابرات کشور را چطور تحلیل می‌کنید؟

متأسفانه سالهاست که صنعت مخابرات کشور همچون «بیمار رو به احتضار» است بدین معنی که در زمینه تولید محصول توسط شرکت های بومی، طی ۵ یا ۶ سال اخیر افت شدیدی داشته ایم به نحوی که برخی در آستانه فروپاشی قرار گرفته‌اند و نیروی انسانی خود را تا حد زیادی تعدیل کرده‌اند، به طوریکه هم اکنون حاصل ۳۰ سال تربیت نیروی انسانی با استعداد حتی به ۱ درصد نسبت تولید ملی به واردات در این صنعت نبوده است.

به نظر شما، مهم‌ترین چالش پیش رو برای تقویت توان تولید و تجاری‌سازی محصولات مخابراتی

بومی چیست؟

چالش اصلی این بوده است که کشور اولویت توسعه خود را مشخص و تبیین نکرده است بدین معنی که نمی‌دانیم در چه حوزه هایی می‌خواهیم پیشرو باشیم. هیچ کشوری نمی‌تواند در همه زمینه‌ها پیشتاز باشد و تمامی کشورهای دنیا با پذیرفتن این حقیقت، به اولویت بندی برای خود پرداخته‌اند. اما کشور ما با تلاش برای خودکفایی در همه زمینه‌ها نیروی انسانی خود را در زمینه‌هایی تربیت کرده که در صورت اولویت بندی می‌توانست بازده بیشتری داشته باشد.

علاوه بر این، در تمامی دولت‌های گذشته، سیاست‌ها در زمینه توسعه فناوریهای مخابراتی زیگزاگی و دارای نوسان و تغییرات زیاد بوده است. در دوره‌هایی مثلاً دو سال دکتر عارف ذهنیت این که ما می‌توانیم و می‌خواهیم در زمینه ساخت تجهیزات مخابراتی حرفی برای گفتن داشته باشیم حاکم بوده و در دوره‌هایی نیز عکس این تفکر حاکم بوده است. ولی با تغییر مداوم سیاستها، نتوانسته ایم از نیروی انسانی که برای این منظور تربیت شده‌اند درست استفاده کنیم. چند سال پیش زمانی که بنده نماینده وزیر ارتباطات در کمیسیون نظارت

بر پروژه تولید شش میلیون تجهیزات BTS موبایل بودم نماینده شرکت مخابرات اکراه خود در استفاده از BTS تولید داخل را مطرح کرده و گفت بهتر است از BTS های جدید خارجی استفاده کنیم که قابلیت ارتقاء نرم افزاری به نسل های آتی را هم داشته باشد، ولی بنده هشدار دادم که صنعت مخابرات، هم دارای ملاحظات امنیتی است و هم با توجه به مناسبات سیاسی کشورمان با دیگر کشورها، ما باید توان تولید محصولات مخابراتی را خودمان داشته باشیم. اما دیدیم که حدود یک سال بعد وندوره های اروپایی ما را تحریم کردند و کمی بعد هم در مناقصات مربوط به اپراتور سوم موبایل (رایتل)، حتی از طرف وندوره های آسیایی هم با چالش در مذاکره و خرید تجهیزات روبرو شدیم. این در حالی است که عکس این موضع را در آمریکا مشاهده می کنیم. به طوریکه که در آمریکا به علت مسائل امنیتی، اجازه مشارکت وندوره های چینی در مناقصات خرید تجهیزات مخابراتی داده نشد.

به نظر شما، راه حل برون رفت از چالش های کنونی چیست؟

ما نیاز به سیاست های پایدار داریم ولو این سیاست اتکای کامل به واردات در زمینه تجهیزات مخابراتی باشد تا بدین ترتیب از ائتلاف نیروی انسانی و هزینه های مختلف جلوگیری کنیم.

آیا فرصت خاصی در این خصوص می توان متصور شد؟ چه در کوتاه مدت و چه در میان مدت؟

اساساً در حوزه مخابرات، نمی توان سیاست های کوتاه مدت و حتی میان مدت تنظیم نمود مگر آنکه بخواهیم بازارهای کوچک و خاصی را هدف بگیریم که درآمد اندکی دارد. برای بلند مدت بهتر است همانند نمونه های کشورهای دیگر، ابتدا سیاست کلان حوزه فناوریهای مخابراتی را با هدف ایجاد یک یا دو شرکت بزرگ با سرمایه های بسیار کلان در طی ۱۰ یا ۲۰ سال طرح ریزی کنیم. سپس دولت برای حمایت از این شرکت ها تمامی فعالان این عرصه را به اجرای این سیاست متعهد کند. تنها در این صورت است که می توانیم در صنعت مخابرات حرفی برای گفتن داشته باشیم. ضمن اینکه با توجه به هزینه های هنگفتی که طی سالیان اخیر صرف تربیت نیروی انسانی با استعداد در این حوزه شده است، نباید از این پتانسیل ارزشمند غافل شد و به راحتی آنها را در اختیار کشورهای خارجی قرار دهیم.

خوب اگر اجازه بفرمایید، ادامه گفتگو را به موضوع نامزدی شما در هشتمین دوره انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی در ۱۸ اسفند ماه سالجاری اختصاص دهیم. انگیزه اصلی شما برای نامزدی در گروه صنعت اتاق تهران چه بوده است؟

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی به عنوان پارلمان بخش خصوصی شناخته می‌شود و در واقع باید برای ارائه درخواست های بخش خصوصی با حاکمیت تعامل مستقیم و مستمر داشته باشد. با تاکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر شرکت های دانش بنیان و توجه ویژه به علم و فناوری، خلاء حضور این شرکت‌ها در این نهاد صنفی احساس می‌شود و در حقیقت سالهاست که حضور شرکت های دانش بنیان در پارلمان بخش خصوصی کمرنگ بوده است، درحالیکه توجه ویژه به این بخش از اقتصاد نیاز است و این گونه شرکتها اهمیت استراتژیکی باید داشته باشند و فکر می‌کنیم که باید یک تفکر جدید علمی در اتاق روی کار بیاید.

تحلیل و نقد شما از فعالیت های پارلمان بخش خصوصی در دوره های قبلی چیست؟

مهم‌ترین نقد بنده، سکوت و منفعلانه عمل کردن پارلمان بخش خصوصی در مقابل مشکلات و معضلات اقتصاد کلان کشور بوده است. عملاً در زمانهای مختلفی که بخش تولید کننده و خصوصی واقعی ما نیاز به حمایت و پشتیبانی داشت، صدایی از پارلمان بخش خصوصی شنیده نشد و در نتیجه می‌توانم به جرأت بگویم که کمر شرکت‌های خصوصی تولیدکننده و صادر کننده فعالان به واسطه عدم وجود یک پایگاه صنفی قدرتمند شکسته شد.

اگر امکان دارد، این مشکلات و معضلاتی که در آن صدای خاصی از پارلمان بخش خصوصی شنیده نشد، را تشریح نمایید:

به طور کلی اقتصاد ما دارای دو معضل بزرگ است: نفتی بودن و دولتی بودن. این دقیقاً همان صحبتی است که اخیراً مقام معظم رهبری نیز به درستی به آن اشاره نمودند. نفتی بودن اقتصاد باعث می‌شود دولت درآمد کافی از نفت بدست آورده و در نتیجه نیاز خاصی به بخش خصوصی نداشته باشد. وارد کردن پول نفت به اقتصاد به

عنوان بیماری هلندی شناخته می شود یعنی پولی وارد اقتصاد می شود که حاصل زحمت و خلاقیت مردم نیست. ضمن آنکه با اینکار اقتصاد غیررقابتی می شود. یکی دیگر از مشکلات این است که دولت ها عمر ۴ ساله دارند و این باعث می شود سیاست هایی را در پیش بگیرند که بجای مصلحت مردم، فقط به دنبال رضایت کوتاه مدت مردم باشند. برخی سیاست ها سختگیرانه است ولی در دراز مدت به صلاح کشور و مردم است و فرهنگ کار را در جامعه ایجاد می کند ولی چون رضایت مردم را در کوتاه مدت ندارد دولت ها توان یا جرات اجرای آن را ندارند.

یکی دیگر از اشتباهات این است که تلاش کنیم نرخ ارز را (با وجود تورم بالا) تثبیت کنیم علیرغم اینکه طبق قانون برنامه پنج ساله مصوب مجلس، نرخ ارز باید مطابق نرخ تورم افزایش پیدا کند. نتیجه تثبیت نرخ ارز چیزی جز نابودی اقتصاد کشور و تولید کننده داخلی و رشد واردات بجای صادرات نیست. با تثبیت نرخ ارز در کشوری که هر سال تورم بالایی دارد، وارد کننده را تشویق به وارد کردن محصول نهایی که مشابه داخلی آن وجود دارد یا کالاهای مصرفی می کنیم.

یکی دیگر از مشکلات، دولتی بودن اقتصادمان است که شش سال پیش با تدبیر مقام معظم رهبری و همراهی سایر نهادها قانون اجرای اصل ۴۴ برای توسعه خصوصی سازی کلید خورد اما در عمل ما را از دولتی بودن به شبه دولتی بودن رساند و من امسال با انتشار مقاله ای در روزنامه دنیای اقتصاد با عنوان «لطفا خصوصی سازی را متوقف کنید» به این روند اعتراض کردم.

از طرف دیگر، فرهنگ مقابله با کارآفرینان بزرگ و شرکتهای خصوصی بزرگ هم باعث می شود نتوانیم بخش خصوصی بزرگی داشته باشیم؛ فرهنگ جامعه ما از اول انقلاب تا الان به شکلی بوده که رشد کارآفرینان بزرگ نوعی خطر تلقی شده و تلاش شده با آن مقابله شود، در صورتی که در جوامع پیشرفته برای این افراد حتی معافیت های مالیاتی در نظر گرفته می شود و از آنان به عنوان قهرمانان ملی یاد می شود تا تشویق به افزایش فعالیت خود شوند. بنده در سرمقاله ای که اسفند ماه پارسال در دنیای اقتصاد نوشتم به این بیماری اشاره کردم. همچنین قانون کاری که از کارفرما حمایت خاصی نمی کند از یک طرف و سازمان تامین اجتماعی هم که بر

خلاف قانون مصوب، بر قراردادهای بخش خصوصی ضریب اعمال می کند از طرف دیگر باعث انگیزه کشی در کارآفرینان شده است. و متأسفانه در تمامی این موارد باید بگویم که فقط شاهد سکوت و انفعال اتاق بازرگانی بوده‌ایم.

با این وجود، آیا فرصتی برای رشد و توسعه صنایع دانش بنیان High tech, medium tech و low tech متصورید؟

اقبال به صنعت های high tech در برابر medium/low tech بستگی به میزان درآمد حاصله از این صنایع برای کشور و نهایتاً تاثیر آن بر GDP دارد اما فرصت های نوظهوری که ایران می تواند در آنها سرمایه گذاری کند اصولاً high tech هستند. اصولاً گرایش به high tech در جهان صرفاً به دلیل درآمدزایی بالای آن است و از طرف دیگر در زمینه های medium/low tech رقبای بزرگ جایگاه خود را تثبیت کرده اند.

در زمینه high tech هم ما چند مشکل عمده داریم: ابتدا عدم ثبات سیاستی که پیشتر هم اشاره شد باید توجه شود که رشد high tech فرایند ۲۰ ساله می‌طلبد و با تصمیمات ۴ ساله یک رئیس جمهور تضاد دارد در نتیجه به جایی نمی‌رسد،

گرچه با تدبیر مقام معظم رهبری، نقشه جامع علمی کشور به عنوان راه حل این مشکل به کار بسته شد، اما وقتی در این نقشه، همه فناوریها در اولویت قرار گرفته اند به معنای آن آن است که هیچ کدام اولویت ندارند! باید ملاک انتخاب فناوری‌های برتر و اتخاذ سیاست‌های حمایتی، بر مبنای مقایسه افزایش سهم GDP باشد، نه فشار و لابی‌گری افراد به یک موضوع و محور خاص! و بایستی ۳-۴ فناوری که احساس می‌کنیم با توجه به پتانسیلهای درونی ما و فرصتهای بازارهای آتی جهانی می‌توانند سهم مهمی در تولید ناخالص ملی داشته باشند انتخاب شده و روی آنها تمرکز ویژه بکنیم.

مشکل دیگر عدم یکپارچگی مراکز قدرت و بخش های مختلف حاکمیت در زمینه توسعه فناوری است؛ هدف از تشکیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری نیز رفع این مشکل بوده است که اگر مورد توجه بیشتری قرار گرفته و اختیارات کاملی به معاون رئیس جمهور داده شود، می‌توان از هرگونه تعارض یا موازی کاری پیشگیری

کرد اما متأسفانه به این هدف نیز به طور صحیح نرسیده‌ایم و معاونت علمی در حد رقابت با وزارت علوم تنزل یافته است.

با توجه به وجود نهادهای صنفی موازی، چه اقداماتی از طرف اتاق بازرگانی برای رفع اختلافات امکان

پذیر است تا در آینده شاهدی مشکلات ساده‌ای مثل برگزاری نمایشگاه تلکام در سالجاری نباشیم؟

تنها کاری که فعلاً می‌توان در این زمینه انجام داد همسو کردن مطالبات این اصناف با یکدیگر است که این فقط با تعاملات اتاق بازرگانی با سایر نهادهای صنفی میسر می‌شود.

با تشکر از وقتی در اختیار طیف برق قرار دادید.